



#### مقدمه

انسان موجودی انتخاب گر است و می تواند از روی اندیشه ، هواهای نفسانی ، ومیل و علاقه یا لجاجت و دهها دلیل دیگر هر چیز و یا راهی را که مایل است انتخاب کند. انتخابگری انسان موجب شده که در سطح کلان دسته بندیها و گروههای بزرگی از پویندگان راههای مختلف پدید آید و هر شخص یا گروهی سعی کند از قدرت انتخاب بشر بهره برده بر او تاثیر گذاشته، وی را با خود هم سو

سازد. این تاثیرگذاری بر دیگران در محدوده دین و یا الحاد محصور نمی شود؛ بلکه به کوچک ترین انتخابهای بشر نیز سرایت می یابد؛ تا آنجا که از شرکتهای تجاری تا کسبه کوچک و بازار هم از کالای خود تمجید می کنند تا برمشتریان تاثیر گذاشته، آنان را به کالای خود جذب نمایند. همین سعی در تاثیرگذاری بر دیگران را می توان تبلیغ نامید. با توجه به انتخابگری انسان که از او موجودی ویژه در عالم آفرینش

ساخته است، خداوند در سطح کلان راه خاصی را برای سعادت وی پیشنهاد کرده، که همان دین اسلام است.

برای تبیین این راه و نشان دادن الگوی عملی تحقق دستورات الهی، پیامبران مبعوث گردیده‌اند و وظیفه آنان رساندن و تبلیغ پیامهای الهی به انسانها بوده است.

در مقابل، شیاطین صف کشیده و سعی در سوء استفاده از این قدرت انتخاب داشته‌اند. آنان همواره کوشیده‌اند با جذب انسانها به بیراهه و القانات اغواگرانه، بر طیف گمراهان بیافزایند.

نتیجه آنکه آغاز تبلیغ به پس از آفرینش حضرت آدم علیه السلام باز می‌گردد و در طول تاریخ بشر تا کنون در ابعاد مختلف از سطح کلان تا خردترین تصمیم‌گیریهای بشر جریان داشته است.

اکنون تبلیغات، شاخه‌ها و رشته‌های بسیار گوناگونی یافته؛ بخشی به ادیان مربوط می‌شود و بخش دیگری به مسائل و اهداف سیاسی باز می‌گردد و مقدار زیادی از تبلیغات امروز دنیا مربوط به مسائل اقتصادی، بازاریابی و فروش اجناس و کالاهای مختلف می‌گردد.

#### تعریف تبلیغ

برای پردازش به هر موضوع، تعریف دقیق آن می‌تواند در جهت متمرکز ساختن مباحث و پرهیز از پراکنده‌گی و طرح مسائل حاشیه‌ای، مؤثر بوده و در موارد بسیاری برای مخاطب روشنگر محدوده بحث باشد. برای تعریف صحیح تبلیغ شایسته است از جهات زیر به موضوع توجه شود:

- لغت؛

- معنای اصطلاحی؛

- تعریف تبلیغ از نگاه دین.

## لغت

در کتب لغوی عرب، تبلیغ به معنای رساندن آمده است. لسان العرب این گونه بیان می‌کند:

«بَلَّغَ: بَلَّغَ الشَّيْءَ بَلَّوْغًا وَبَلَاغًا:

وَصَلَّ؛ بَلَّغَ؛ يَعْنِي رَسِيدًا.»

«وَالْإِبْلَاحُ: الْإِیْصَالُ، وَكَذَلِكَ التَّبْلِیْغُ؛<sup>۱</sup>

ابلاغ و همچنین تبلیغ به معنای رساندن است.»

در کتاب قاموس المحيط آمده است:

«الْإِبْلَاحُ وَالتَّبْلِیْغُ وَهُمَا الْإِیْصَالُ؛ ابلاغ

و تبلیغ هر دو به معنای رساندن است.»

در زبان فارسی هم این واژه

به معنای رساندن استعمال شده و تغییر

مفهومی نداشته است؛ از باب نمونه

در فرهنگ معین آمده است:

«تبلیغ، به معنای رساندن پیام یا

خبر و یا مطلبی به مردم آمده است.»

## معنای مصطلح

امروزه تبلیغ به معنای طرح و انتقال پیام برای تحت تأثیر قرار دادن مخاطب می‌باشد؛ اعم از پیام دینی، سیاسی، تجاری و یا غیر آن.

## تعریف تبلیغ از نگاه دین

برای دریافت تعریف دقیق و صحیح تبلیغ از نگاه دین، بیان چند مطلب ضروری است:

۱. پیامبران الهی به زبان قومشان سخن می‌گفتند تا در پیام رسانی و اتمام حجت بر مردم کاستی وجود نداشته باشد. قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ...﴾<sup>۲</sup> «هیچ پیامبری را جز به زبان مردم عصرش نفرستادیم، بدین خاطر که [حقایق را] برای آنها بیان کند...»

۲. جایگاه پیامبران، روشنگری، ایجاد بصیرت و بیان واضح مباحث

۱. لسان العرب، ج ۸، ص ۴۱۹.

۲. ابراهیم/۱.

دینی بود. ﴿فَإِذَا جَاءَ كُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾<sup>۱</sup> «از جانب پروردگارتان آنچه مایه بینش است برای شما آمده است. پس هر کسی بینش پیدا کند به سود خودش می‌باشد و هر کسی کور باشد، به ضرر خود عمل کرده و من نگهبان شما نیستم.»

۳. پیامبر در مورد پذیرش دعوت و ایمان یا عدم پذیرش مردم مسئولیتی ندارد و تنها وظیفه او ابلاغ دستورات و معارف دینی به آنان است.

﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾<sup>۲</sup> «بر عهده پیامبر جز رساندن [پیام خدا] نیست. و خدا آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌دارید، می‌داند.»

۴. هیچ کس برای پذیرش دین توسط پیامبران مجبور نگشته است؛ بلکه انبیاء و رسولان الهی تنها به بیان معارف با برهان و حکمت پرداخته‌اند.

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۳</sup> «و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً کسانی که در زمین‌اند؛ همه آنها یکسره [به اجبار] ایمان می‌آوردند. حال آیا تو مردم را مجبور می‌کنی که مؤمن شوند؟»

﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ﴾<sup>۴</sup> «پس تذکر ده، که تو فقط تذکر دهنده‌ای. تو بر آنان مسلط نیستی [که به قبول ایمان مجبورشان کنی].»

۵. یکی از وظائف مهم پیامبران موعظه و مناظره زیبا است.

۳. یونس/۹۹.

۴. غاشیه/ ۲۱ و ۲۲.

۱. الأنعام/۱۰۴.

۲. المائدة/۹۹.

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِلَا تَأْتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾؛<sup>۱</sup> «مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت فراخوان و با آنان به نکوترین شیوه مجادله کن. بی تردید پروردگار تو به حال کسی که از راه او منحرف شده داناتر است و هدایت یافتگان را نیز بهتر می شناسد.»

۶. فرستادگان الهی به صرف رساندن پیام به مردم اکتفا نمی کردند؛ بلکه هموار مردم را بشارت داده و انذار کرده و آنان را از نافرمانی خداوند بیم می دادند. نذیر بودن پیامبر ﷺ و ترساندن مردم از سرپیچی نسبت به دستورات خداوند، از حقایقی است که در جای جای قرآن مورد تأکید قرار گرفته است که مواردی ذکر می شود:

﴿وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَنَذِيرِينَ قَمَنْ آمَنَ وَاصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾؛<sup>۲</sup> «و پیامبران را جز مژده دهنده و بیم رسان نمی فرستیم، پس کسانی که ایمان بیاورند و [مفاسد خود را] اصلاح کنند نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند.»

﴿وَلَمْ يَنْفَكُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ﴾؛<sup>۳</sup> «آیا فکر نکردند که یارشان [پیامبر] جنونی ندارد؟ او جز هشدار دهنده ای آشکار نیست.»

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ﴾؛<sup>۴</sup> «بگو: ای مردم! من برای شما فقط هشدار دهنده ای آشکارم.»

انذار کردن تنها مربوط به عذابهای اخروی نبوده، در موارد بسیاری نسبت به عقوبتهای دنیوی نیز بیم داده

۲. انعام/۴۸.

۳. اعراف/۱۸۴.

۴. حج/۴۹.

۱. نحل/۱۲۵.

شده است، که نمونه‌هایی ذکر می‌شود:

﴿قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مَنْ ظَلَمَاتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ تَلَاوُنُهُ نَضْرُغًا وَ خُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ قُلِ اللّٰهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ؛<sup>۱</sup> «بگو: چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا نجات می‌دهد؟ در حالی که او را [برای نجات خود] از روی فروتنی و زاری و مخفیانه به کمک می‌طلبید [و می‌گویید] که: اگر ما را از این [تنگناها و مهلکه‌ها] نجات دهد، بی‌تردید از سپاس‌گزاران خواهیم بود. بگو: خدا شما را از آن [سختیها] و از هر اندوهی نجات می‌دهد، باز شما به او شرک می‌ورزید [و به ناسپاسی می‌گرایید].»

﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَ يَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ

انظُرْ كَيْفَ تُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ﴾؛<sup>۲</sup> «بگو: او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما برانگیزد، یا شما را گروه گروه و حزب حزب به جان هم اندازد، [تا وضعتان به اختلافات سنگین و کینه‌های سخت بیانجامد،] و مزه تلخ جنگ و خونریزی را به هر گروه شما به وسیله گروه دیگر بچشاند. با تأمل بنگر چگونه آیات خود را به صورتهای گوناگون بیان می‌کنیم تا بفهمند.»

۷. از دیگر ویژگیهای بسیار مهم پیامبران الهی، بیان کامل دستورات خداوند و پرهیز از افزودن چیزی به دین از جانب خود بدون اذن الهی، بوده است.

﴿قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاٍ مِنَ الرُّسُلِ وَ مَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَ لَا بِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مَا

۸ پیامبران و اولیاء الهی ﷺ همه معصوم بوده؛ بدین معنا که کلیه دستورات الهی را عمل و از همه آنچه نهی می‌کردند پرهیز می‌کردند. از سوی دیگر، به پیروان خویش دستور می‌دادند که با عمل خود مردم را به دین حق دعوت کنید. امام صادق ﷺ می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ؛ مردم را با اعمال خود به حق بخوانید نه با زبانتان!»

۹. همان‌گونه که پیامبران تنها آنچه را خداوند به آنان وحی فرستاده بیان می‌کنند، مبلغان دینی نیز موظف هستند فقط آنچه را از قرآن و روایات می‌فهمند؛ بدون کوچک‌ترین تحریف برای مردم بیان کنند.

يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ؛<sup>۱</sup> «بگو: از میان فرستادگان خدا فرستاده‌ای نوظهور نیستم [که گفتار و کردارم مخالف گفتار و کردار آنان باشد؛ بلکه به من هم چون آنان وحی می‌شود] و نمی‌دانم با من و شما [در دنیا و آخرت] چه خواهد شد، من فقط از آنچه به من وحی شده پیروی می‌کنم، و من جز بیم دهنده‌ای آشکار نیستم.»

«قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنِّي أَنبِئُ إِلَّا مَا يُوْحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَعْوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ؟»<sup>۲</sup> «بگو: به شما نمی‌گویم که خزائن خدا نزد من است، و نه غیب می‌دانم و نه به شما می‌گویم که فرشته‌ام. جز از آنچه به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم. بگو: آیا کور و بینا یکسانند؟ پس آیا نمی‌اندیشید؟»

۳. بحار الأنوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء بیروت، لبنان، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۵، ص ۱۹۸، باب ۷ (الهداية والإضلال والتوفيق).

۱. الأحقاف/۹.

۲. الأنعام/۵۰.

امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نموده‌اند که فرمودند:

«الْفُقَهَاءُ أُمَّتَاءُ الرَّسُولِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا دُخِلْتُمْ فِي الدُّنْيَا قَالَ أَتْبَاعُ السُّلْطَانِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَاحْذَرُوهُمْ عَلَى دِينِكُمْ»<sup>۱</sup> فقهاء امینهای پیامبران صلی الله علیه و آله هستند تا زمانیکه در دنیا وارد نشوند. پرسیدند ای پیامبر

خدا صلی الله علیه و آله ورود آنان به دنیا چگونه است؟ آن حضرت فرمودند: متابعت کردن از پادشاه. پس اگر فقیهی اینچنین عمل کرد از او بر دیتان حذر کنید.»

نتیجه آنکه جایگاه فقیهان دینی امانت داری پیامبران است که نباید در این امانت خیانت شود؛ بلکه بایست بدون هیچگونه کاستی به مردم ارائه شود.

منشأ بسیاری از انحرافات در ادیان، دخالت دادن افکار و سلاقی در مسائل و معارف دینی است، از اینرو در آیات قرآن، از علماء یهود به دلیل تحریف در دین مذمت شده است. و در روایات ما نیز از تفسیر به رای در قرآن بشدت مذمت شده و عقوبت عذاب الهی برای چنین افرادی بیان شده است.

#### تعریف تبلیغ دینی

پس از بیان مطالب فوق، حال می‌توانیم به تعریف تبلیغ دینی بپردازیم. بدیهی است که باید تعریف با توجه به مباحث مطروحه، جامع و مانع باشد. به نظر می‌رسد که تعریف ذیل از جامعیت و مانعیت برخوردار است:

«تلاش برای هدایت و رشد انسانها و تبیین روشن گفتاری، رفتاری معارف ناب و زلال دینی با براهین مستقم و زیباترین مناظره،

۱. الکافی، شیخ کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ هـ. ش، چاپ چهارم، ج ۱، ص ۴۶، باب المستأکل بعلمه و المباهی به ...



موعظه نیکو، بشارت و انذار مردم و  
با پرهیز از اجبار دیگران بر پذیرش.»

